

## ابلاغیه دولت امریکا به رسانه‌های اجتماعی بدآموزی دارد، قفلش کنید



محمد رضا رضایی

را بریندید.

۱. این شبکه‌ها همه‌اش دست داشتن امریکا در شکل‌گیری گروه‌های تروریستی همچون داعش را توی سرمان می‌کوبند. در حالی که ما اولش نیتیمان خیر بود و این گروه‌های مسلح را تشکیل دادیم تا فقط با شکارچیان غیرقانونی و آسیب‌زنندگان به محیط زیست مقابله کنند، ولی سیستم این گروهک‌ها باگ داشت و آنها را از هدف اصلی شان منحرف کرد. خدا شاهد است که ما سلاح‌های پیشرفته‌مان را فقط برای مبارزه با دشمنان محیط زیست تحویل داعش دادیم.

۲. این شبکه‌ها با شانتاژ خبری، خانواده‌های سربازان شجاع امریکایی را که در آن‌ور دنیا برای منافع امریکا می‌جنگند، نگران می‌کنند. مثلاً تا یک راکت به کاروان‌های نظامی امریکا برخورد می‌کند، خبرش را طوری

منتشر می‌کنند که انگار کل ارتش امریکا یک‌جا نمی‌کشد، بلکه آسه آسه و به‌طور تدریجی و نامنظم نابود می‌شود و این همه نگرانی ندارد. یا همان حمله به عین‌الاسد را جوری تعریف کردند که ما وقتی جسم بی‌تحرك سربازان آن پایگاه را جلو چشم خانواده‌هایشان تشریح کردیم تا بفهمند فرزندان‌شان نمرده‌اند و فقط دچار ضربه ملایم مغزی شده‌اند، باز هم باور نکردند.

۳. این رسانه‌ها به آبروی انسان‌ها هم رحم نمی‌کنند و خبر طوفان آب و هوایی بایدن را جوری در بیوق و کرنا کردند که پیرمرد تا دو هفته خودش را در اتاق حبس کرده بود و مثل ابرهای طوفان‌زای پاییزی گریه می‌کرد. یا مثلاً همین چرت زدن‌های بایدن را فرت و فرت رسانه‌ای می‌کنند و تصویر امریکای مقتدر را

در ذهن جهانیان خراب می‌سازند و اصلاً هم توجه نمی‌کنند که داروهای پروستات شدیداً خواب‌آورند و نباید بایدن نحیف و فرتوت را اینقدر راحت قضاوت کنند.

۴. این شبکه‌ها به راحتی دروغ می‌گویند و همه می‌دانند که خط قرمز ما دروغ است و ما هر بدی را که تحمل کنیم، تحمل دروغ را نداریم. مثلاً همین چندوقت پیش و زمانی که ما احساس کرده بودیم ملت افغانستان دیگر می‌تواند روی پای خودش بایستد و نیازی به کمک ما ندارد، تصمیم گرفتیم بار و بندیل خود را جمع کرده و مردم افغانستان را با رفاه و آسایشی که بهشان هدیه دادیم، تنها بگذاریم. از قضا سفر بازگشت ما همزمان شد با کودتای طالبان و اشغال افغانستان توسط آنها. ما هم که دیگر بساطمان را جمع کرده بودیم و بلیت گرفته بودیم و نمی‌شد سفر

را لغو کنیم، برگشتیم امریکا. ولی رسانه‌های معلوم‌الحال مذکور جوری نشان دادند انگار ارتش امریکای ابرقدرت از طالبان ترسیده و فرار کرده. فکر کن! ما بترسیم و فرار کنیم؟ حاشا و کلا.

۵. از همه بدتر این رسانه‌ها، تمام حرف‌ها و حدیث‌هایی را که علیه دولت امریکا در همه‌جای جهان زده می‌شود، تمام و کمال منتشر می‌کنند و این باعث بدآموزی شده و روحیه سرکشی را در فرزندانمان تقویت نموده و حتی آنها نیز حرف‌های مقامات امریکایی را به نیمکره چپ خود منتقل می‌سازند و باز خدا شاهد است که ما فقط نگران عاقبت به‌خیری فرزندانمان هستیم، چرا که فرزندان فقط با احترام به والدین عاقبت به‌خیر خواهند شد.

لذا زودتر مسدود کنید برود پی کارش.

شوخی با تیتزر روزنامه‌ها



محدثه مطهری

**آزادسازی بخش زیادی از منابع ارزی کشور**  
فکر کنم امسال ماه رمضان به تعداد خیر پیدا شدن که به جای زندانی، منابع ارزی کشور رو آزاد می‌کنن.

**مسیریابی جدید برای رشد بهره‌وری**  
از اپلیکیشن‌های مسیریاب داخلی استفاده کنید. اینها با تغییرات جاده‌ها و این چیزا آشنا ترن. به حرف اون خانم که می‌گه «به چپ بپیچید، به راست بپیچید» هم قشنگ گوش بدید.

**پول پاشی به جای اشتغالزایی**  
انگار دارن شایاش می‌دن!

**بهای هژمونی**  
نمی‌دونم چیه ولی از اسمش به نظر می‌رسه که احتمالاً خیلی گرونه.

### پارتی بازی



علیرضا عیدی

اولی: شما کجا تشریف داشتید؟  
دومی: تانزانیایا.  
اولی: مگه اون‌جا هم دانشگاه داره؟  
دومی: بله، دانشگاه داره... قطب مهندسی پرورش آناناسه.  
اولی: چي؟ متوجه نشدم...  
دومی: مهد کارشناسی و ارشد و دکترای رشته مهندسی پرورش آناناسه. بنده اون‌جا کلی تلاش کردم تا این رشته رو خوندم.  
اولی: آخه این رشته برای کشور چه منفعتی داره؟  
دومی: شبیه مهندسی کشاورزی و بیوتکنولوژی و آمار و خیلی رشته‌های دیگه‌س...  
اولی: دکترا دیگه؟  
دومی: نه آقا دکترا سه ماهه بود. من فوق دیپلم دارم. همون کاردانی رو گرفتم.  
اولی: گفتید کارشناسی و ارشد و اینا...  
دومی: آره من ویزای مسافرتی داشتم. تحصیلی نبود. یعنی ددی خیلی پول نداده بود بهم. واسه مسافرت تفریحی ۴ روزه رفتم تانزانیایا، گفتم من که تا این‌جا اومدم به تلاشی کنم و بیام به کاردانی مهندسی پرورش آناناس بگیرم.  
اولی: آخه چهار روزه؟  
دومی: بله، خب فشرده بود، البته منم باهوشم خیلی.  
اولی: درسته. به سلامت...  
دومی: شما چی خوندم؟  
اولی: دکترای تولید و پرورش تخم‌مرغ بدون دخالت مرغ از هند.  
دومی: خب این چه سودی داره؟!

اولی: این‌همه مرغ‌داری داریم که کلی کارگر هر روز به مرغاشون هورمون می‌زنن. کلی کارگر دارن برق رو روشن و خاموش می‌کنن تا مرغ به‌فهمه شب، روز شده و بیدار بشه دوباره تخم کنه. کلی کارگر دارن که این‌همه آت و آشغال قاتی غذای مرغ می‌کنن. خب من با دکترا، جلوی این همه رو می‌گیرم. صنعتی می‌کنیم این کار رو. این یعنی رشد و پیشرفت.  
دومی: خب آخه توی هند اینا استفاده می‌شد؟  
اولی: بله دیگه. من به جایی توی هند بودم که مرغ‌ها خیلی مقدس بودن براشون، این مدرک رو گرفتیم... کلی زحمت کشیدیم... یکساله تموم درس خوندم تا دکترا رو دادن بهم.  
دومی: احسنت. انصافاً رحمت کشیدیم هردو.  
اولی: من و شما می‌تونیم جهت رشد و توسعه کشور خیلی مفید باشیم. باید باز صبر کنیم.  
مسئول: آقایونی که مدرک تحصیلی کاردانی مهندسی پرورش آناناس و دکترای تولید و پرورش تخم‌مرغ بدون دخالت تخم ارائه دادن، مدرکشون معادل دیپلم کشور شناخته شده و هر چه سریع‌تر خودتون رو به نظام وظیفه معرفی کنن تا سرباز فراری محسوب نشن.  
اولی: همینه ها... مدام پارتی بازی می‌کنن.  
دومی: آره دیگه، فامیل خودتون نیستیم کار ما رو راه نمی‌اندازن.  
اولی: مدام رابطه... پس کو ضابطه...؟ عه شعر گفتم.  
دومی: احسنت... می‌گم بزیم توی کار شعر و خوانندگی...  
اولی: آفرین پاشو بریم.



سیدمحمدجواد طاهری  
کارتنویست

### شایعات

می‌گویند: در پی افزایش قیمت غیرمنطقی گوشت قرمز در بازار، شورای تأمین‌کنندگان دام کشور کلاس‌های فلسفه و منطق برای گوسفندان برگزار می‌کند تا گوشت خود را با قیمتی منطقی به بازار عرضه کنند! این کلاس‌ها برای تشویق گوساله‌هایی که قرار است منجمد شوند با ۵۰ درصد تخفیف برگزار می‌شود.

می‌گویند: روشنفکران در اعتراض به برگزاری نماز جماعت در تقاطع تایمز اسکوتر نیویورک، پرچم امریکا را آتش زده و جوراب‌ها و زیرپوش‌های طرح پرچم‌شان را به فقرا بخشیدند!

می‌گویند: با رشد ۴۶ درصدی نرخ اجاره‌بهای مسکن، عده‌ای از صاحبخانه‌ها با سماجت و اصرار پول پیش مستأجران‌شان را پس دادند، مستأجران نیز در جواب، اجاره ماهانه را زیاد کردند اما صاحبخانه‌ها کم نیاورده و با زدن سند خانه‌شان به نام مستأجر، خانه‌شان را بخشیدند!

می‌گویند: علت کمبود گوجه فرنگی در بازار و افزایش قیمت آن، دعوا و کتک‌کاری کامیون‌داران بر سر بارزدن گوجه و افزایش تمایل‌شان به بارگیری محصولات کشاورزی است. در جهت حل این مشکل شرکت بیمه، بیمه بیکاری گوجه‌ها را به خدماتش اضافه کرد.

### فال روز

طوبی عظیمی‌زاد

آیا اینها ساقی‌آدر کاساً و ناولها  
که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها

ای صاحب فال: بهتر است اعتراف کنم که از همان اول هم درس عربی‌ام زیاد خوب نبود. پس با همین مقدمه می‌رویم سراغ مصرع دوم!

مشخص است که عاشق شده و زیر بار مخارج آن زاییده‌ای. غمگین مباش که در این زمانه خیلی‌ها شریک غمت هستند. به روزهای خوب فکر کن به جشن عروسی به بچه دار شدن به خانه‌ای که باید با عشق پر شود. به آینده فکر کن و خیلی روی مشکل‌ها تمرکز نکن. قبلاً یک نفر بودی و تنهایی بار مشکلات را به دوش می‌کشیدی اما حالا دو نفر شده‌اید می‌توانی مشکلات را نصف کنی تا هزینه درمان کم‌تر هم به مشکلاتت اضافه نشود.

### حضورى باض ضابون

افشار جابری

۱. اون گوشی تلفن همراه را لولو برد. از الان همه آموزش‌ها حضوری و داشتن تلفن همراه در مدرسه ممنوع است.  
۲. برعکس دو سال گذشته اتفاقاً حالا دست معلم و ناظم به شما می‌رسد. لذا ادب را رعایت کرده و در مواقع حساس در دید مستقیم اشخاص ذکر شده قرار نگیرید.  
۳. روش‌های نوظهور و پیشرفته تقلب را بگذارید در کوزه و زنگ‌های تفریح آیش را بخواهید. دود از کنده بلند می‌شود، ایضا از چشم‌های منعطف، دستان فرز، هوش محیطی و زبان بدن.  
۴. فکر نمی‌کردم کارمان به اینجا برسد؛ ولی باید بدانید در مدرسه چیزی به اسم یخچال وجود ندارد، خصوصاً وسط کلاس.  
۵. وقتی در کلاس معلم شما را به پای تخته فرا می‌خواند، امکان قطعی اینترنت، خالی شدن باتری و آمدن ناگهانی خاله مهری اینا وجود ندارد.  
۶. کلاس اول و دومی‌ها بدانند، چیزی داریم به اسم صف، همون قطاربازی خودمان، اینجوری پشت سر هم می‌روید داخل.  
۷. پوشیدن شلوار و کفش الزامی است، حتی شما دوست عزیزى که بابت توى انجمن اولیائه!